اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

قلب

دراین مقاله ، به نکاتی در مورد قلب پرداخته میشود.

قلب واژه ای است در قرآن که بسیار معنی شگرفی دارد. قلب در عربی به معنای دگرگونی است. قلب محل اتصال کالبد بشری ما با جهان اعلی و نفس ماست. یک نوع converter (تبدیل کننده) است. یعنی تصمیمات نفس و پیامهای غیبی برای ما بصورتی تبدیل میشوند که کالبد بشری ما (مغز، فکر و ...) آن را درک کند. این مرکز دگرگونی، مرکز احساسات هم هست. اینکه قلب داخل سینه، در عربی قلب نامیده میشود؛ به این خاطر است که قلب خون سیاه و بدون اکسیژن را دریافت و آن را تصفیه کرده و همراه اکسیژن و خون تمیز به اعضای بدن سرازیر میکند. به نوعی کانورتر است. قلبی که قرآن از آن سخن میگوید، در بیشتر موارد قلب فیزیکی نیست؛ بلکه قلبی است که مفاهیم عالی عرفانی را برای بدن ما ترجمه

میکند و برعکس. آیه زیر ثابت میکند که قلب در قرآن؛ منظور قلبی نیست که خون را در بدن به جریان وا میدارد.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

قطعا در این [عقوبتها] برای هر صاحبدل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد عبرتی است (۳۷)

ما انسانها در سه بعد آفریده شده ایم و جهان بالاتر دارای ابعاد بیشتری می باشد؛ پیامهای خدا و معنویت اعلی باید بصورتی برای ما بیان شود که قابل درک و فهم و احساس باشد. گاهی احساسات و حوادثی که در جامعه اتفاق می افتند، دارای پیامی معنوی همراه خود هستند که این پیام فقط توسط قلبهای سالم احساس میشود و بوسیله قلب سالم بدرستی درک خواهد شد. وحی بر قلب آدمی نازل میشود و محل تبادل ارتباط انسان با وحی به حساب میاید.

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲)

و راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است (۱۹۲)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳)

روح الامین آن را بر دلت نازل کرد (۱۹۳)

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ (١٩٤)
تا از [جمله] هشداردهندگان باشی (١٩٤)

این کانورتر هم خودش یک نوع حس است که باید به حسهای پنجگانه اضافه شود. در آیه زیر خدای حکیم، قلب را در ردیف چشم و گوش آورده است. هر چند در قرآن ، قلب به معنای فیزیکی نیست ولی هر چی هست، مثل حواس پنجگانه یک کانورتر و تبدیل کننده است برای ما تا حوادث و پیامهای معنوی را درک کنیم. همانطور که رنگهای طبیعت را با چشم می بینیم.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (١٧٩)

و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [چرا كه] قلبهایی دارند كه با آن [حقایق را] دریافت نمی كنند و چشمانی دارند كه با آنها نمی بینند و گوشهایی دارند كه با آنها نمی شنوند آنان همانند چهارپایان بلكه گمراه ترند [آری] آنها همان غافل‌ماندگانند (١٧٩)

گاهی این کانورتر به علت گناهان زیاد، تیره و تار میشود و درک مفاهیم معنوی برای فرد مشکل میشود. هر گناهی که انجام شود مثل یک غشاوه و لایه از کانورت و درک درست مفاهیم و پیامهای خدا جلوگیری میکند.

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۳)

تا آنچه را که شیطان القا می کند برای کسانی که در دلهایشان بیماری است و [نیز] برای سنگدلان آزمایشی گرداند و ستمگران در ستیزه ای بس دور و درازند (۵۳)

انَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

قطعا در این [عقوبتها] برای هر صاحبدل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد عبرتی است (۳۷)

گاهی مرض قلب آنچنان سخت است که خدا نسبت کری و کوری را به قلب میدهد.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (۴۶)

آیا در زمین گردش نکرده اند تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشهایی که با آن بشنوند در حقیقت چشمها کور نیست لیکن دلهایی که در سینه هاست کور است (۴۶)

تنها راه کسب ایمان ، قلب است. یعنی باید خدا و ارتباط با او را از طریق قلب خویش دریافت کنیم و گرنه ایمان نیاورده ایم.

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۴)

[برخی از] بادیه نشینان گفتند ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده اید لیکن بگویید اسلام آوردیم و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزش] کرده هایتان چیزی کم نمی کند خدا آمرزنده مهربان است (۱۴)

مهمترین آیه برای اثبات اینکه قلب محل ارتباط عالم اعلی با کالبد بشری ماست؛ آیه زیر است. خدا واژه رَبَطْنَا (ارتباط) را برای قلب بکار می برد.

أَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰)

و دل مادر موسی [از هر چیز جز از فکر فرزند] تهی گشت اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان باشد چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند (۱۰)

در قرآن، علاوه بر قلب از کلمه فوءاد هم استفاده شده است و برای فهم معانی اختلاف این دو کلمه در آیه فوق از کلمه فواد و قلب با هم استفاده شده است. از آیه فوق مشخص میشود که فواد به احساس و خواص غریزی آدمیان گفته میشود؛ مثل غریزه دوست داشتن و بی قراری مادر موسی نسبت به فرزندش. تمام آدمیان از بدو تولد نعمتهای شنیدن و دیدن و افئده به آنان داده میشود. اما بعضی مواقع

غریزه ثبات کافی ندارد و ممکن است بر احساس قلب غلبه کند. مثلا مادر موسی نزدیک بود که راز را فاش کند(فواد)؛ اما خدا بر قلب او وحی کرد و مانع از فاش شدن شد. این حادثه نشان میدهد که بعضی مواقع ممکن است که آنچه فواد مایل است با آنچه قلب مایل است، در تعارض باشند.

آیه زیر ثابت میکند که فواد به ادارک غریزی گفته میشود که از بدو تولد به هر آدمی داده میشود.

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۸)

و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید (۷۸)

اما قلب مفهومی گسترده تر دارد و درگاه ارتباطی با لایه غیبی است. انذار کافرین بی فایده است، زیرا بر قلب آنان لایه ای تاریک نشسته است و توانایی درک مفاهیم عالی را ندارند. هرچند که آدمی بطور غریزی میتواند بعضی مسائل را درک کند و از فواد خود استفاده کند؛ اما غریزه همه جا کافی نیست. خیلی از مردم وقتی صحنه ای از فیلم را در اینستاگرام می بینند؛ براساس غریزه ؛ واکنش نشان میدهند و قضاوت میکنند. اما این کافی نیست و آدمهایی که به خدا نزدیکترند؛ از نظر معنوی

آن را می سنجند و راجع به آن قضاوت میکنند. به این خاطر خدای مهربان مدام راجع به ثبات فواد توسط قلب صحبت میکند.

كُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (١٢٠)

و هر يك از سرگذشتهای پيامبران [خود] را كه بر تو حكايت می كنيم چيزی است كه دلت را بدان استوار می گردانيم و در اينها حقيقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذكری است (١٢٠)

تنها کسانی وارد بهشت میشوند که با قلب سلیم این دنیا را ترک کرده باشند. قلبی که از خبائث و گناهان پاک باشد.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (٨٨)

روزی كه هيچ مال و فرزندی سود نمی دهد (٨٨)

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (٨٩)

مگر كسی كه دلی پاك به سوی خدا بياورد (٨٩)

قطعا همه میدانیم که فقط دعاهایی به خدا میرسد که از ته قلب برآید. زیرا قلب ما تنها راه ارتباطی و تبدیل کننده با جهان اعلی می باشد.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۳۰)

و یهود گفتند عز یر پسر خداست و نصاری گفتند مسیح پسر خداست این سخنی است [باطل] که به زبان می آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده اند شباهت دارد خدا آنان را بکشد چگونه [از حق] بازگردانده می شوند (۳۰)

بعضی گفته ها فقط اقوالی است که از دهان خارج میشوند و ربطی به قلب ندارند و از ته قلب بر نمی آید. مثلا بعضی افراد ظاهرا میگویند که به روز آخرت ایمان دارند ولی در عمل، زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح میدهند. این گفتار و ایمان آوردن از نظر خدا ارزشی ندارد. زیرا چیزی که از قلب برنیاید، به خدا نمی رسد. زیرا قلب تنها راه تاثیر گذاری در عالم بالاتر است.